

انگیزه تحصیلی وجود ندارد، حاشیه‌پردازی نکنیم

معدل امتحانات نهایی؛ نوک کوه یخ نظام آموزشی

محمد داوری

این روزها در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی پست‌های مختلفی دست به دست و به اشتراک گذاشته می‌شود که نشان از پایین بودن معدل دانش‌آموزان در آزمون‌های نهایی دوره دوم متوسطه دارد و جالب اینکه این موضوع را به بحث تاثیر معدل در رتبه کنکور داوطلبان مرتبط می‌سازند و چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که پس حالا که آموزش ضعیف است و آموزش و پرورش توانایی انجام آزمون‌های نهایی را ندارد باید شرط معدل و تاثیرگذاری مستقیم آن در کنکور حذف شود!!

این نتیجه‌گیری بسیار اشتباه و ساده‌سازی بسیار غیرکارشناسی ریشه در تحلیل سطحی از موضوع مهمی دارد که متأسفانه به دلیل سکوت بیشتر کارشناسان یا شنیده نشدن صدای اندک کارشناسان فعال در حوزه آموزش دارد. اوضاع به نفع مافیای آموزشی و مافیای کنکور رقم می‌خورد و همسو با این اوضاع برخی نمایندگان مجلس و مسوولان عالی نیز تحت تاثیر جوسازی‌های غیرکارشناسی قرار گرفته‌اند و ابراز نظرهای اشتباهی کرده‌اند، در حالی که صورت مساله و ابعاد آن چیز دیگری است که به نظر می‌رسد با اشاره به سه ضلعی «آموزش»، «انگیزش» و «سنجش» بهتر قابل تبیین است.

الف) آموزش؛ در چند سال اخیر محتوای آموزشی و برنامه‌ریزی و روش‌های آموزشی تغییری نکرده که داد همه بلند شده است و معدل پایین را بر سر آموزش و پرورش می‌کوبند و می‌گویند چرا کیفیت آموزشی اینقدر پایین آمده و معدل دانش‌آموزان چرا اینقدر پایین است، برعکس متاثر از دوره کرونا و استفاده از تکنولوژی و ورود معلمان فارغ‌التحصیل دانشگاه فرهنگیان و ورود نیروهای جوان کمی اوضاع آموزشی از رویکرد سنتی به سمت رویکرد مدرن حرکت کرده و بهتر هم شده است، اما چون قبلاً امتحان نهایی در پایه‌های پایین‌تر برگزار نمی‌شد خیلی این امر محسوس نبود و چون معدل در کنکور تاثیر

نمی‌گذاشت چندان اهمیت نداشت، پس ربط دادن این موضوع به کیفیت آموزشی منطقی و کارشناسانه نیست. هر چند بحث پایین بودن کیفیت آموزشی و این مطالبه که از حقوق دانش‌آموزان است در جای خود بسیار حیاتی و محوری است.

ب) سنجش؛ امتحان یا آزمون یا به عبارتی سنجش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان يك امر بسیار تخصصی است که جای آن اصلاً عرصه عمومی و رسانه‌های عمومی و کوچه و بازار نیست که این روزها عمومیت پیدا کرده است. آنقدر این امر در ذیل علوم تربیتی و مدیریت آموزشی اهمیت دارد که در دانشگاه تحت عنوان سنجش و ارزشیابی تا مقطع دکترا رشته تخصصی وجود دارد که فارغ‌التحصیلان این رشته که در نظام آموزشی ما مشغول خدمت هستند شایسته ابراز نظر در این زمینه هستند که متأسفانه یا اکثر آنها ابراز نظر نکرده یا صدای اندک افرادی که واکنش نشان داده‌اند، شنیده نشده در حالی که طبق اصول علمی سنجش امری است که دو وجه مکمل دارد؛ یکی سنجش فرآیندی و دیگری سنجش پایانی و باید عملکرد تحصیلی دانش‌آموز یا دانشجو را در میانگین نمرات فرآیندی و پایانی دید نه فقط پایانی در حالی که متأسفانه در نظام آموزشی ما به سنجش فرآیندی بهایی داده نمی‌شود و کنکور از جمله آزمون‌های صرفاً پایانی است و از سوی دیگر يك آزمون استانداردهایی دارد که باید رعایت شود مثلاً ترکیبی بودن پرسش‌ها و تناسب دشواری از جمله شاخص‌هایی است که باز هم از این منظر کنکور یکی از غیراستانداردترین آزمون‌هاست، پس این استدلال که سنجش در آموزش و پرورش ضعیف است و همه چیز را باید به دست کنکور سپرد نیز بسیار غیرمنطقی و غیرکارشناسی است. هر چند که تردیدی بر تقویت سنجش در آموزش و پرورش نیست و نکته دیگر که آزمون‌های نهایی در آموزش و پرورش سنجشی برای بررسی عدالت و کیفیت در آموزش و کنکور سنجشی برای عدالت در گزینش است که دو مقوله متفاوت از هم هستند و بی‌تردید شرط معدل و تاثیر آن در کنکور عدالت در گزینش را کمی ارتقا خواهد داد.

ج) انگیزش؛ از همه مهم‌تر اینکه دلیل اصلی پایین بودن معدل دانش‌آموزان که فقط منحصر به این چند سال اخیر نیست نه کیفیت آموزشی و نه سنجش، بلکه سطح پایین انگیزش تحصیلی در دانش‌آموزان دلیل اصلی افت آموزشی است که آن هم بیشتر متأثر از شرایط اقتصادی است و چشم‌انداز منفی آینده شغلی و تحصیلی است که متأسفانه این بحث مغفول مانده و به حاشیه رفته است. خیلی ساده می‌شود به پایین بودن انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان پی برد و پایین بودن معدل نوک کوه یخ نظام آموزشی ماست که در این زمینه نمایان شده است و اگر مسوولان می‌خواهند بر مساله اصلی متمرکز شوند، افکار عمومی را فریب

ندهند و بر سر معدل و تاثیر آن بر کنکور دعواي زرگري راه نيندازند، بلکه همين سر نخ را ادامه دهند تا متوجه بحران نظام آموزشي ما بشوند و ببينند چگونه در اين نظام آموزشي کودکي و نوجواني و آينده فرزندان اين مرز و بوم تيره و تار شده است و بيشتر آنها نه تنها براي کنکور و دانشگاه آماده نميشوند که براي يك زندگي معمولي نيز تربيت نشده و آموزش نمي بينند. اين موضوع ابعاد گسترده اي دارد که بحث بيشتري را مي طلبد، اما در هر صورت چشمها را بايد شست و جور ديگري بايد ديد.

□□□□□□ 1403 □□□ 15 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□